

سرهنگ اقبالی و اراضی قلات

عباسعلی اقبالی، سرهنگ بازنشسته سپاه که گویا اندکی نیز «جانباز» است، در دوران کهولت آیت‌الله حاج شیخ صدرالدین حائری شیرازی،^{۱۲۹} برادر بزرگ آیت‌الله حاج شیخ محی‌الدین حائری (امام جمعه شیراز)، خود را به ایشان نزدیک کرد و از اعتماد مطلق وی برخوردار شد. نتیجه، سوءاستفاده‌های کلان مالی اقبالی و شایعات منفی گسترده در سطح فارس و حتی کشور و بدنامی برای آیت‌الله صدرالدین حائری بود.

اقبالی، به دستور آیت‌الله شیخ صدرالدین حائری، مسئولیت اموال مؤسسه اقتصادی سازمان تبلیغات اسلامی را به دست گرفت و از طریق حیف و میل این اموال بسیار متهمل شد.^{۱۳۰} او در کنار مؤسسه فوق، شرکت خصوصی خود به نام **ارمغان** را تأسیس کرد و از رانت‌های ناشی از جایگاه خویش در بیت مرحوم آیت‌الله حائری برای انتقال پول به این شرکت بهره برد. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها **اراضی قلات**، واقع در حومه شیراز (جاده سپیدان)، است.

سرهنگ اقبالی در محدوده پلاک‌های ثبتی روستا- شهرک قلات (پلاک‌های قلات و ماهور قلات) ۲۵۱ هکتار از اراضی دولتی شده را، بدون طی مراحل قانونی و رعایت ضوابط واگذاری، از ادارات منابع طبیعی و امور اراضی به نام مؤسسه ارمغان دریافت کرد.

ابتدا، کارگروه آمایش استان (به ریاست معاون عمرانی استاندار و دبیری رئیس سازمان مسکن و شهرسازی و با عضویت نمایندگان محیط زیست، جهاد کشاورزی، راه و ترابری، شهرداری، سازمان آب، شهرک صنعتی، شهر صدرا) تصویب کرد که اراضی فوق خارج از محدوده شهر صدراست. سپس، اداره منابع طبیعی این اراضی را برای واگذاری به افراد واجد شرایط به اداره امور اراضی تحویل داد. اداره فوق، بدون در نظر گرفتن درخواست‌های مردم منطقه (ساکنین روستا- شهرک قلات) و بدون طی مراحل قانونی

۱۲۹. آیت‌الله حاج شیخ صدرالدین حائری (۱۳۰۹-۱۳۸۳)، فرزند آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین حائری شیرازی، از فعالین نهضت امام خمینی (ره) در فارس بود. با ایشان از سال ۱۳۴۸ مراد به نزدیک داشتم. به من می‌گفت: «عبدالله، عبدالله باش.» به ایشان و اخوی کوچک‌شان، آیت‌الله حاج شیخ محی‌الدین، بسیار علاقمند بودم. این امر در اسناد ساواک نیز منعکس است. شیخ صدرالدین حائری در صبح ۱۷ خرداد ۱۳۸۳ در قم درگذشت.

۱۳۰. بنگرید به صفحه ۱۵۳ و سند مندرج در صفحه ۲۳۰.

واگذاری، که از طریق هیئت هفت نفره یا در چارچوب طرح‌های اقتصادی انجام می‌گیرد، زمین را برای «کاشت درخت و احداث جاده» (توجه کنید: «کاشت درخت و احداث جاده»!) به اقبالی واگذار کرد. اقبالی اقدام به درخت‌کاری، تفکیک و فروش این اراضی به مردم نمود و در مواردی بدون غرس درخت اراضی را فروخت. جالب‌تر اینجاست که این باغات از طریق خرید آب و انتقال آن به وسیله تانکر و ذخیره کردن آن در منبع‌های فلزی آبیاری می‌شود! اقبالی علاوه بر ۲۵۱ هکتار فوق، ده‌ها هکتار از اراضی زراعی پیرامون آن را نیز، با لطایف‌الحیل، از دست مردم محلی به قیمت بسیار نازل خارج کرد و پس از تفکیک فروخت. درباره روش خاص اقبالی برای خرید اراضی به ثمن بخش سخن گفته‌ام.^{۱۳۱}

بورس‌بازی اقبالی، اراضی قلات را به‌ناگاه از قیمتی ناچیز به متری ده‌ها هزار تومان افزایش داد و تحول مالی و به تبع آن فسادی عجیب را در بخشی از مردم قلات سبب شد؛ مردمی که تا چندی پیش زارعینی فقیر ولی دارای زمین و باغ بودند، امروزه، شیوع اعتیاد و فساد اخلاقی در بخشی از سکنه این شهرک، به دلیل ثروت بادآورده ناشی از بورس‌بازی اقبالی، مثال‌زدنی شده. بخشی از مردم قلات پیشه خود را از زراعت و باغداری به دلالتی و معامله زمین و تعدادی نیز به خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی تغییر داده‌اند. ثروتی که اقبالی فقط از طریق دریافت واگذاری اراضی دولتی قلات و تصرف اراضی مردم در پیرامون آن و بورس‌بازی زمین در منطقه فوق اندوخت ده‌ها میلیارد تومان است.

اقدامات اقبالی در اراضی قلات تا بدان حد رسوایی‌برانگیز بود که منجر به صدور حکم بازداشت او شد. ضابط این حکم و متولی پرونده اداره کل اطلاعات فارس بود. معه‌ذا، اقبالی، با حمایت مافیای زمین‌خوار شیراز و دوستان نظامی‌اش، ماه‌ها در شیراز نیمه پنهان ماند و فقط گاه خود را در مجامع ظاهر می‌کرد. سرانجام، در اواسط سال ۱۳۸۶ بازداشت ولی اندکی بعد، با صدور قرار، آزاد شد. مؤسسه ارمغان اقبالی هم‌اکنون پلمب شده و وی در انتظار صدور حکم دادگاه است. مسئولان اطلاعاتی از دردهای فراوانی می‌گویند که ماجرای اقبالی برایشان به بار آورده است. اگر وضع کنونی فارس دوام آورد، اقبالی حکم بر برائت خواهد گرفت و با سرمایه ده‌ها میلیارد تومانی‌اش کسب و کار پیشین را، با فراغ بال، ادامه خواهد داد.

وکیل عباسعلی اقبالی پسر محمدعلی فاضل، رئیس دادگاه‌های عمومی و انقلاب شیراز، است؛ همان کسی که آقایان تلاش می‌کنند رئیس کل دادگستری فارس شود. اقبالی با پرداخت ۶ میلیارد تومان غرامت و ۴ میلیارد تومان قرار آزاده شده. این در برابر ثروت اقبالی ناچیز است. هم‌اکنون، قواره‌های یک‌هزار متری زمین‌های اقبالی در شهرک گلستان، در کنار نمایشگاه، بدون دیوارکشی قواره‌ای ۱۳۰ الی ۱۵۰ میلیون تومان به فروش می‌رود. او دارای اراضی فراوان دیگری در مناطق کوزه‌گری و شهرک صدرا نیز هست.

سازمان جهاد کشاورزی فارس و ادارات تابع آن، منابع طبیعی و امور اراضی، در حالی ۲۵۱ هکتار از اراضی دولتی حومه شیراز را به سرهنگ اقبالی، به شیوه‌ای که گفتیم، واگذار کرد که در نهایت «خست» حاضر به واگذاری بیست هکتار زمین به بیست تن از فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی نبود. این متقاضیان بیکار و عضو فعال بسیج هستند. به عبارت دیگر، بیست نفر بسیجی متخصص بیکار نمی‌توانند نفری یک هکتار زمین را برای فعالیت مولد کشاورزی، نه بورس‌بازی زمین، دارا شوند ولی اقبالی‌ها می‌توانند هر یک به تنهایی صدها هکتار زمین دولتی را تملک کنند و میلیاردها تومان ثروت بادآورده به جیب زنند.

در ۴ اسفند ۱۳۸۲ سرهنگ پاسدار خسرو ناظمی، مسئول بسیج متخصصین استان فارس، طی نامه‌ای به رضوی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی فارس، خواستار واگذاری مقداری زمین، به منظور «کشاورزی و باغداری»، به بیست نفر از بسیجیان بیکار فارغ‌التحصیل رشته‌های کشاورزی می‌شود. در ۹ اسفند رضوی، طبق رویه‌ای که شرح دادم، به اداره امور اراضی دستور می‌دهد «در اسرع وقت» اقدام شود.

در ۱۴ آذر ۱۳۸۳، یعنی حدود ده ماه بعد، جهاد کشاورزی شیراز از اداره منابع طبیعی شیراز خواستار اعلام وضعیت اراضی مورد درخواست می‌شود.

در ۱۲ آذر ۱۳۸۵، یعنی نزدیک به سه سال پس از ارسال درخواست اولیه، مسئول بسیج متخصصین فارس طی نامه‌ای به جهاد کشاورزی شهرستان شیراز هنوز خواستار «مساعدت و همکاری» برای واگذاری اراضی ناچیز فوق است!

آری، آقای چنانه! در قاموس بشری واژه‌ای به نام «شرم» وجود دارد، ولی آیا همگان آن را می‌شناسند؟

من در سال ۱۳۷۸، در یکی از دیدارهای خود با سردار مرتضی رضایی، فرمانده کل پیشین سپاه و فرمانده وقت حفاظت اطلاعات سپاه، درباره عملکرد سرهنگ اقبالی و نقش مشکوک او در ایجاد بدنامی برای آیت‌الله حائری با ایشان صحبت کردم. بعدها، در

یادداشت‌های روزانه‌ام، مورخ سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۲، نو شتم:

«در شیرازم. با آیت‌الله [م‌حی‌الدین] حائری به بازدید پروژه فلاح‌ت در دشت کوه سعدی رفتم. به شدت به عملکرد علیرضا مسعودی و عباسعلی اقبالی و نبی‌زاده و اطرافیان آقای حائری بدبین شده‌ام و حیرانم که چرا آقای حائری از حیف و میل و فساد مالی ایشان جلوگیری نمی‌کند... اختیارات تام و کامل را به اطرافیان داده‌اند و آنان هر چه بخواهند می‌کنند. تقسیم اراضی اطراف شیراز به نام منابع طبیعی و ترویج بورس‌بازی و دلالتی شهری عملکرد این آقایان است. شجاع حائری می‌گفت که عمویش، آیت‌الله شیخ صدرالدین، نامه به عباسعلی اقبالی داده که هر چه در می‌آورد نیمی به اقبالی تعلق دارد. از آیت‌الله حائری شنیدم که فقط ده در صد به اقبالی تعلق می‌گیرد! رقم بسیار کلانی است. آیا آقا صدرالدین شرعاً و قانوناً حق داشت چنین نامه‌ای به اقبالی بدهد؟ اقبالی سرهنگ سپاه است (احتمالاً بازنشسته شده)، قیافه‌ای شبیه به عقب‌مانده‌ها دارد و حتی نمی‌تواند درست امضا کند. او از این طریق صاحب میلیاردها تومان ثروت شخصی شده است.

خانواده من تمامی اموالش را به‌خاطر انقلاب از دست داد. پدرم تمامی ثروتش را که به پول امروز میلیاردها تومان است از دست داد به‌خاطر قیام مسلحانه علیه شاه در دفاع از آیت‌الله خمینی. نتیجه چه شد؟ یقین پیدا کرده‌ام اگر از گرسنگی بمیرم کسی به دادم نخواهد رسید. احساس وحشتناکی است. احساس تنها و بی‌پناه بودن. من به خدا توکل دارم و یقین دارم که او تنهایم نخواهد گذاشت. ولی این آقایان به وظیفه خود عمل نمی‌کنند و متأسفانه دست هر ناکسی را در تاراج بیت‌المال باز گذاشته‌اند. وضع اسفناک بسازوفروشی در تهران نمونه گویایی است. بسیاری از نظامیان بلندپایه اکنون به دلالتان و بورس‌بازان درجه اول تهران تبدیل شده‌اند.»

نامه اول بسیج متخصصین (۴ اسفند ۱۳۸۲)

درخواست واگذاری نیست هکنار زمین به بیست نفر مهندس کشاورزی بسیجی بیکار رضوی در حاشیه نامه فوق دستور رسیدگی «در اسرع وقت» داده است.

تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۳
شماره ۲۹۱۶
پیوست

جمهوری اسلامی ایران
باسمه تعالی

وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جهاد کشاورزی استان فارس
مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شیراز

مسئول محترم منابع طبیعی بخش مرکزی شیراز

سلام علیکم

احتراماً پیرو مذاکرات شفاهی پیرامون درخواست بسیج
متخصصان استان فارس خواهشمند است وضعیت اراضی مورد
درخواست از نظر پوشش گیاهی به جهاد کشاورزی حومه اعلام
فرمایید.

ضمناً این مکاتبه هیچ حقی برای متقاضی ایجاد نخواهد کرد.

اسدی
رئیس جهاد کشاورزی حومه شیراز
جهاد کشاورزی بخش حومه

شیراز - خیابان انقلاب (نبش شمس) - مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شیراز

شماره: ۱۳۹۵/۹/۲۳

پیگیری «سریع» جهاد کشاورزی شیراز در ۱۰ ماه بعد، (نامه مورخ ۱۴ آذر ۱۳۸۳ به منابع طبیعی شیراز)

تاریخ: شماره: پیوست:	بستی  جمهوری اسلامی ایران	 نیروی مقاومت بسیج
--	--	--

۲۱۹۹۴۰

۵۵۰۱۲

ریاست محترم جهاد کشاورزی شهرستان شیراز
برادر ارجمند جناب آقای حاج کشاورز

سلام علیکم

ضمن عرض تبریک میلاد با سعادت ثامن الحجج امام رضا (ع)، پیرو نامه شماره ۱۵۲۴۰۰ مورخ ۸۲/۱۲/۹ مدیریت امور اراضی استان فارس با موضوع نامه شماره ۲۱۶۸/م/ب بسیج متخصمین استان فارس و دستور مساعدت و همکاری مدیر کل محترم جهاد کشاورزی استان به منظور اشتغال گروهی از فارغ التحصیلان اقشار بسیج متخصمین دستور فرمائید مسئولین مربوطه همچون گذشته در این طرح با مرکز بسیج متخصمین همکاری مقتضی را مبذول فرمایند.

بسیج متخصمین استان فارس
خسرو ناظمی

۸۵/۱۲/۱۶

۱۲ آذر ۱۳۸۵ (سه سال پس از نامه اول)

بسیج متخصمین هنوز به دنبال ۲۰ هکتار زمین برای ۲۰ مهندس کشاورزی بیکار بسیجی است

مهرزاد خرد مدیر کل منابع طبیعی فارس

درباره مهرزاد خرد، مدیر کل کنونی منابع طبیعی فارس، تاکنون به‌طور پراکنده سخن گفته‌ام. خرد اهل کامفیروز فارس و از خویشان خاندان امینی، از تبار ملا امین کامفیروزی، است ولی به شاخه تهیدست خاندان فوق تعلق دارد. اگر پسر حاج علی اکبر خرد باشد، جدش با حاج نصرالله خان کامفیروزی، پدر ابراهیم خان امینی، هموزاده است.

خرد در اوائل انقلاب به عضویت کمیته (نیروی انتظامی) درآمد و در اواخر کار خود معاون کمیته مستقر در خیابان خلیلی بود. در پی ادغام نیروهای انتظامی، در زمان مدیر کلی آقای حمیدرضا محسنی (معاون کنونی امور دام سازمان جنگل‌ها و مراتع) و معاونت مهندس عباسعلی مقرب، به عنوان مأمور وارد اداره منابع طبیعی شد و با مدرک دیپلم در اداره حقوقی به کار گرفته شد. بعدها، تحصیلات خود را ادامه داد و در رشته کشاورزی مدرک کارشناسی گرفت. ابتدا به «جناح چپ» تعلق داشت و در دفتر جلیل سازگارنژاد، نماینده پیشین شیراز در مجلس، کار می‌کرد. از طریق اداره آژانس تاکسی تلفنی ارم در خیابان خاک‌شناسی شیراز نیز ارتزاق می‌کرد. در این اواخر، با اعمال نفوذ، معاون فنی اداره کل منابع طبیعی فارس شد. از نظر کردار و شخصیت و دانش شایستگی معاونت فنی را نداشت و طبعاً مدیر کل شدن او، که ماجرای آن را شرح دادم،^{۱۳۳} نارضایتی وسیعی را در کارکنان منابع طبیعی فارس برانگیخت.

مهرزاد خرد، در دوران کار در اداره حقوقی، با مجید تبسم و جمال جمالی همکار بود. این تیم سه نفره به گروهی بسته و شریک بدل شدند و دلالتی را پیشه خود کردند. هم‌اکنون، مجید تبسم، به درخواست خرد، به عنوان مشاور مدیر کل و رئیس حراست منابع طبیعی فارس منصوب شده و جمالی، وکیل دعاوی، مشاور حقوقی اداره کل است.

تبسم و جمالی همچنان به دلالتی مشغول‌اند. خرد پرونده‌های مهم و پول‌ساز را، به جای ارجاع به ادارات تخصصی ذیربط، نزد تبسم، رئیس حراست، می‌فرستد تا ارباب رجوع به وی مراجعه کنند. مسائل تخصصی منابع طبیعی ربطی به حراست ندارد که وظیفه آن نظارت بر کارکنان است. جمالی نیز، به عنوان مشاور حقوقی اداره کل منابع طبیعی فارس، در پس پرده با موکلین خود، که به‌طور عمده با منابع طبیعی دعوی حقوقی دارند، مشغول زدوبند است.

برخی از تخلیفات مهرزاد خرد، به طور نمونه وار، به شرح زیر است:

گنج میلیارد دلاری: چشمه انجیر

در کنار باغ سید فتحعلی جعفری، مالک گویم، اراضی وسیع و بسیار گران قیمتی وجود دارد که در محدوده شهر جدید صدرا واقع شده. مساحت این زمین ملی شده، که به دولت تعلق دارد، حدود یک هزار هکتار است. این زمین پهناور چشمه انجیر نام دارد. اولین بار شرکت فارس مبین، وابسته به بنیاد تعاون بسیج فارس، اقدام به تصرف اراضی فوق کرد و سرهنگ زندوی و سرهنگ فاطمی و سرهنگ یوسفی در آن چند صد متر جاده کشی کردند که با مقابله منابع طبیعی مواجه شد. پرونده شکایت اداره منابع طبیعی علیه شرکت فارس مبین و فاطمی و زندوی، دال بر تخریب، در مرحله رسیدگی است. دادسرا به نفع اداره منابع طبیعی نظر داد و رأی دادگاه بدوی به سود فاطمی و زندوی است. هم اکنون، پرونده در مرحله تجدیدنظر است.

پس از دفع گرگی حریص چون شرکت فارس مبین، تیم سه نفره خرد و تبسم و جمالی، در مشارکت با تعدادی دیگر از گردانندگان مافیای زمین خوار شیراز، اراضی چشمه انجیر را به نام «طرح مرتع داری» به همت همتی و شرکایش واگذار کردند. همتی دوست بسیار صمیمی و نزدیک خرد و نبی زاده است. همتی و شرکایش پوششی هستند برای حفظ این گنج بسیار ارزشمند تا در موقع مناسب به «پول» تبدیل شود. شرکای همتی تعدادی دامدار فقیر و بیچاره هستند که از پوشش آن‌ها برای حفظ اراضی فوق استفاده می‌شود و هر از گاه مبلغی ناچیز به ایشان پرداخت می‌گردد.

در طرح مرتع داری واگذاری گیرنده باید دامدار باشد. همتی فاقد دام و شغل او پیمانکاری و بولدوزرداری است. در زمان بازدید مسئولین، تعدادی گوسفند اجاره و در مراتع فوق رها می‌کنند و بلافاصله پس از پایان بازدید پس می‌دهند. در فصل چرا نیز مراتع را به عشایر اجاره می‌دهند و «علف‌چر» دریافت می‌کنند. در بیست هکتار آن نیز زراعت می‌کنند که خلاف قانون و قرارداد واگذاری است.

با صعود خرد به مدیرکلی، در ۴۰۰ هکتار از اراضی فوق، که در بهترین نقطه آن واقع و مشرف بر جاده سپیدان - بیضا است، تحت عنوان پارک جنگلی درخت زیتون کشت شده. طبق اطلاع، قصد دارند این قطعه را در قالب ماده سه (واگذاری از طرف مدیریت بهره‌برداری به بهره‌برداران ذینفع و صاحب عرف) به مؤسسه احسان واگذار کنند. برای تحقق این هدف، چهار صد هکتار فوق مرحله نقشه‌برداری را نیز طی کرده است.

هم اکنون، اراضی فوق، که گفتیم در درون محدوده شهر جدید صدرا است، حدود

متری یکصد هزار تومان ارزش دارد و قیمت کل آن حدود یکهزار میلیارد تومان (بیش از یک میلیارد دلار) است؛ پنج برابر ارزش مراتع یکهزار هکتاری طوایف سُرخ‌ی در کوهپایه دلو که شرکت احرار فارس در حال تخریب و تصرف آن است.

چشمه انجیر «گنج پنهان» و ذخیره و پشتوانه اصلی مالی مافیای زمین‌خوار شیراز است و پتانسیل فراوان برای تبدیل شدن به ثروتی افسانه‌ای دارد. با برنامه‌ها و تمهیداتی می‌توان این اراضی را در بورس زمین قرار داد و با تفکیک آن به قطعات کوچک چند برابر مبلغ ذکر شده به دست آورد.

با توجه به ارزش فوق‌العاده این «گنج پنهان» تصور نمی‌رود کارگزاران درجه دو و سه مافیای زمین‌خوار شیراز، مانند خرد و نبی‌زاده و رستمی، در پس این ماجرا پنهان باشند؛ باید به دنبال چهره‌های اصلی مافیای زمین‌خوار شیراز در اراضی چشمه انجیر بود. به علت اهمیت موضوع، مافیای زمین‌خوار شیراز به شدت نگران آشکار شدن «راز گنج چشمه انجیر» است. در زمان نگارش این رساله تلاش‌هایی صورت گرفت تا بدانند آیا من از این راز مطلع‌ام یا خیر. و سرانجام دریافتند که می‌دانم. احتمالاً از آن زمان تاکنون، در هفته‌های اخیر، دستکاری‌هایی در پرونده چشمه انجیر به منظور استتار برنامه‌های در دست اجرا برای اراضی میلیارد دلاری فوق انجام گرفته است.

خرد و خویشاوندان او

کیانی‌ها اهل کامفیروز هستند و از خویشان نزدیک مهرزاد خرد. خرد، از دوران کار در اداره حقوقی تا به امروز منافع کلانی به آن‌ها رسانیده و طبعاً از این خوان بی‌بهره نبوده است:

در زمانی که خرد در اداره حقوقی شاغل بود، به کمک وی حدود سه هزار هکتار از اراضی دشت بکان و مهدی‌آباد اقلید، پلاک‌های ۵۶ و ۵۶/۱، به عنوان افزایش مستثنیات به مرتضی و منوچهر کیانی، و شرکای‌شان (جهانگیری‌ها)، داده شد. ارزش این اراضی میلیاردها تومان است.

مرتضی کیانی در گذشته طرح مرتع‌داری در اراضی به وسعت هزار هکتار واقع در بکیان کامفیروز ارائه داده بود که در مدیریت قبل با آن موافقت نشد. خرد در اولین روزهای مدیرکلی‌اش این طرح را تصویب کرد و اراضی فوق به کیانی واگذار شد. حدود ۳۰ هکتار از این اراضی به عنوان زمین کشاورزی به کیانی واگذار شده که در آن به کشت برنج مشغول است. اراضی فوق میلیاردها تومان ارزش دارد.

مظفر امیدوار، برادر زن آقای خرد، نیز از این خوان یغما بی نصیب نمانده. وی حدود ۱۲ هکتار از اراضی باارزش ملی شده واقع در پلاک منجق‌لو، کامفیروز، را تصرف کرده

ولی خرد مانع از تشکیل پرونده علیه وی در محاکم قضایی شده. زمین فوق هنوز به مظفر امیدوار واگذار نشده است.

خانم مبین و اراضی قیر و کارزین

دکتر مبین، استاد سابق دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، مدتی پیگیر ادعای خود بر اراضی واقع در قیر و کارزین بود. این اراضی بکر و فاقد هرگونه سابقه کشت و دارای پوشش گیاهی و دامدار صاحب نسق و سند آن به نام دولت است. پس از فوت مبین دخترش پیگیر قضیه شد و تبسم، رئیس کنونی حراست منابع طبیعی فارس و مشاور مدیرکل فعلی، کارهای او را پیگیری می‌کرد. در دی ۱۳۸۶ این پرونده در مراحل نهایی کار بود تا به عنوان «مستثنیات زراعی» غیرملی شده و سند آن به خانم مبین انتقال یابد.

مساحت اراضی فوق حدود ۸۰۰ هکتار و به دلیل کشت مرکبات در منطقه قیر ارزشمند است. این اراضی در زیر سد سلمان فارسی واقع شده و خانم مبین مترصد است پس از دریافت سند مالکیت میلیاردها تومان قیمت آن را نقداً از دولت دریافت کند. همسر دکتر مبین، محبوبه نمازی، دختر سرهنگ محمدعلی نمازی است.^{۱۳۳} دو دختر دارد: افروز (متولد ۱۳۴۵) و تارا (متولد ۱۳۶۵). افروز مبین، که در حال دریافت سند مالکیت هشتصد هکتار مرتع فوق است، مدت‌ها در انگلیس زندگی کرده و دارای اقامت انگلستان است. او دو بار ازدواج کرده. همسر اولش اهل مشهد و همسر دومش، علی قوامی، از خاندان قوام‌الملک شیرازی بود. اکنون مطلقه است. تارا مبین مانکن و مقیم کانادا است. افروز خانم پس از دریافت میلیاردها تومان از سازمان آب و دولت جمهوری اسلامی ایران به انگلستان یا کانادا خواهد رفت.

زمین خطیری

در دی ۱۳۸۶، سی هکتار زمین در پلاک خطیری، واقع در اوّل خروجی جاده بوشهر و در مجاورت پلاک ده شیخ، در شرف واگذاری به برادر آقای محمد نبی رودکی، نماینده شیراز در مجلس هفتم، بود. این اراضی دارای پوشش گیاهی و دامدار صاحب نسق (دارای پروانه چرا) است. خرد به شدت پیگیر این پرونده بود و برای تسریع در آن با

۱۳۳. برای آشنایی با خانواده مبین بنگرید به: ص ۵۴۵، برای آشنایی با نمازی بنگرید به: صص ۲۹۸-۳۰۰، ۵۳۵.

دستخط خود یادداشتی کوچک خطاب به کارشناسان مربوطه نوشت با این متن: «نیازمند رضایت دامدار نمی‌باشد.» «حذف دامدار» خلاف نص صریح قانون است. اراضی واگذاری حتماً باید بلامعارض و فاقد پروانه چرا باشد و در صورت داشتن دامدار عرفی یا رسمی با رضایت کتبی دامداران انجام گیرد. به‌رغم فشار مهرزاد خرد و یادداشت فوق، به دلیل کارشناسی کارشناسان وظیفه‌شناس و دلسوز اداره منابع طبیعی فارس، این واگذاری به تعویق افتاد تا سرانجام با مداخله نیروهای مدافع آرمان‌های انقلاب در اواخر دی ۱۳۸۶ مهرزاد خرد، به دلیل هراس، پیگیری آن را رها کرد. زمین فوق به دلیل وقوع در حاشیه منطقه گران قیمت شهر شیراز حداقل متری ۵۰ هزار تومان و در مجموع حداقل ۱۵ میلیارد تومان قیمت دارد.

داستان‌های خرد و تبسم

درباره مهرزاد خرد و مجید تبسم داستان‌های فراوانی نقل می‌شود. در زیر فهرست‌وار برخی از این داستان‌ها را نقل می‌کنم:

اخذ رشوه از ع. ش.، یکی از مدیران وقت استان‌های فارس و بوشهر که هم‌اکنون نماینده مجلس است، برای انجام کار وی در اراضی دولت‌آباد و سفر شخص آقای خرد به بوشهر برای اخذ تتمه حق و حساب خود و دوستانش.

سوءاستفاده از اراضی خریداری شده از تعاونی مسکن در شمال غرب شیراز (شهرک بهشتی) و اخذ رشوه توسط برخی آقایان که خرد را ترغیب کردند تا شاید چیزی نیز نصیب او شود. خرد طماع شبانه به در منزل حاج ب. رفت که با نهیب وی مواجه شد و بدون دریافت دیناری سرشکسته بازگشت.

همکاری خرد با زمین‌خواران با دلالتی مسعود حدادی و سرهنگ حسین نظری، که اهل کامفیروز و هم محلی خرد هستند، به‌ویژه در اراضی کامفیروز. این دو پس از شناسایی عملکردهای خلاف‌شان از نهادهای مربوطه اخراج (نظری) و بازنشسته (حدادی) شدند. این دو هم‌اکنون نیز از دلالت و واسطه‌ها و دوستان نزدیک آقای خرد هستند.

واگذاری زمین در اقلید و اخاذی فرزاد خرد، برادر مهرزاد خرد. فرزاد خرد سه میلیون تومان نقد و یک چک گرفت که به علت افشای ماجرا توسط نماینده اقلید در مجلس این واگذاری انجام نشد. ماجرای فوق در زمان مدیرکلی خرد رخ داد.

تراول‌های ۵۰ هزار تومانی که مهرزاد خرد در جلسات خود با رؤسای ادارات ستادی و

شهرستان‌ها به ایشان پرداخت می‌کند و منبع آن مشکوک است.^{۱۳۴}

در چهار مورد زیر نقش اصلی با مجید تبسم بوده است:

واگذاری زمین پنج هکتاری **ماهور قلات** (حومه شیراز) به بعضی افراد به دلیل شراکت آن‌ها با آقای «الف» از مقامات وقت استان.

واگذاری زمین ۵۲ هکتاری **ماهور قلات** (حومه شیراز) به آقای «م». این زمین متری یکصد هزار تومان و بیش‌تر و جمعاً ۵۲ میلیارد تومان و بیش‌تر ارزش دارد.

غیرمملی کردن زمین بارزآباد مرو دشت برای «ب». این زمین **هشتاد هکتار** وسعت دارد و ارزش آن میلیاردی است.

غیرمملی کردن زمین **تنگ خشک سیوند** برای آقای «ت».

موارد دیگری را نیز می‌توان ذکر کرد:

اراضی پلاک مجاور بزین: هم‌اکنون مسعود حدادی و سرهنگ اخراجی حسین نظری به شدت در حال فعالیت‌اند تا پلاک مجاور بزین به شماره ۵۰۰۱ موقوفه اعلام شود. علت باز بودن دست موقوفه در واگذاری قطعات بزرگ زمین است.

اراضی چاه پهن فسا: «ع. ش.» در خارج از ایران سکونت دارد. وکیل او فردی به‌نام «م.» است. «ع. ش.» مدعی مالکیت اراضی **چاه پهن فسا** بود که قطعاً ملکی و قطعاً بکر بود. او با همکاری مجید تبسم **هشتاد هکتار** به عنوان مستثنیات دریافت کرد که ارزش آن بیش از متری ۵۰ هزار تومان است. این زمین در محدود استحفاظی شهر فسا و در مجاورت ساختمان دانشگاه آزاد واقع است. نامبرده هم‌اکنون در حال تصرف سایر اراضی است و پرونده‌ای علیه وی تشکیل نشده است. ارزش این زمین **هشتاد هکتاری حدود ۳۵ میلیارد تومان** است.

موارد تخلفات و عملکرد غیرقانونی دیوان‌سالاران فوق به این موارد محدود نیست.

۱۳۴. مهرزاد خرد از زمانی که مدیرکل شده، برخلاف رویه پیشینان، در تمامی جلسات با مدیران ستادی و شهرستان‌ها به هر کدام یک عدد تراول ۵۰ هزار تومانی می‌دهد بدون اخذ رسید یا حق مأموریت یا اضافه کار. از نظر اداری منشاء این پول روشن نیست زیرا چنین ردیف اعتباری در بودجه اداره کل منابع طبیعی وجود نداشته است. اعضای جلسات فوق (مدیرکل و معاونین و رؤسای ادارات ستادی و شهرستان‌ها) جمعاً حدود ۴۰ نفر می‌باشند و مبلغ فوق برای هر جلسه حدود دو میلیون تومان است. این پول حتماً در هر جلسه پرداخت می‌شود. به‌نظر می‌رسد این پول از منبع مشکوکی در اختیار خرد قرار گرفته یا شخصاً برای جلب همکاری رؤسای ادارات پرداخت می‌کند.

پس از انتشار رساله حاضر کارشناسان زحمتکش ادارات منابع طبیعی و امور اراضی موارد فراوانی را افشا خواهند کرد.

ماجرای شرکت سحاب سبز

در زمان ریاست زراعت پیشه بر سازمان بازرسی استان فارس و حضور سعادت‌مند در سازمان فوق، به ابتکار و تلاش سعادت‌مند (معاون امور اراضی که به سازمان بازرسی مأمور شده بود) ۱۱ هکتار از اراضی قلات در قالب «طرح طوبی» به شرکت سحاب سبز واگذار شد. طبق قانون باید طرح به مرحله بهره‌برداری برسد تا سند ثبتی اراضی آن به واگذاری گیرنده انتقال یابد. معه‌ذا، شرکت سحاب سبز پیش از اتمام مراحل واگذاری اقدام به تفکیک و فروش زمین فوق به افراد متقاضی کرد.

این اقدام غیرقانونی بود و ادارات منابع طبیعی و امور اراضی به محض اطلاع باید طرح را ابطال می‌کردند زیرا در طرح طوبی تفکیک به قطعات کوچک ممنوع است. به‌رغم این تخلف آشکار سند قطعی به شرکت فوق انتقال یافت. به‌علاوه، این واگذاری از اساس غیرقانونی بود زیرا اراضی دارای معارض (مالکین صاحب سند) بود و واگذاری اراضی دارای معارض خلاف قانون است.

خریداران این اراضی مالکین همان اراضی بودند. شرکت سحاب سبز اراضی را به مالکین معترض جمعاً به مبلغ دو میلیارد و دویست میلیون تومان فروخت. از این پول مبلغی، حدود ۲۰۰-۳۰۰ میلیون تومان، به پرسنل اداره منابع طبیعی پرداخت و مابقی در میان کارکنان سازمان بازرسی تقسیم شد. تقسیم این پول ناعادلانه بود. برخی افراد ذینفوذ، که پرسنل سازمان بازرسی نبودند، مبالغ کلانی دریافت کردند و به اکثر کارکنان ساده سازمان مبالغ ناچیز پنج شش میلیون تومانی پرداخت شد. اصل پول در میان مقامات اصلی سازمان تقسیم شد. این ماجرا را کارکنان ناراضی سازمان افشا کردند ولی اقدام قانونی برای احقاق حقوق بیت‌المال انجام نگرفت.

قانون یعنی هیچ!

عملکرد مؤسسه فلاحت در فراغت، و سایر شرکت‌هایی که در دو دهه اخیر در فارس با دریافت واگذاری اراضی دولتی و تبدیل آن به «باغ‌شهر» و سپس تفکیک و فروش آن در قطعات کوچک بحران زمین و مفاسد اجتماعی و سیاسی و زیست محیطی ناشی از آن را سبب شده‌اند، نقض آشکار و بی‌پروای قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است.

واگذاری اراضی دولتی به مؤسسات و شرکت‌های فوق، و افراد حقیقی مرتبط با این قانون، در قالب «طرح طوبی» یا «واگذاری امور اراضی» انجام گرفته است. طبق قوانین و مقررات جاری کشور، این واگذاری‌ها از چهار منظر «غیرقانونی» است: اول، شرایط واگذاری گیرندگان؛ دوم، میزان زمینی که طبق قانون باید واگذار شود؛ سوم، نوع زمینی که باید واگذار شود؛ چهارم، شروط واگذاری.

اولویت واگذاری گیرندگان

ماده ۱۰ «آئین‌نامه و دستورالعمل اجرایی طرح طوبی» سه گروه زیر را به عنوان افراد دارای اولویت برای دریافت واگذاری زمین مشخص کرده است: اولویت اول: «مرتجع‌داران و جنگل‌نشینان و دامداران داخل جنگل‌ها که در جهت اجرای سیاست‌های حفظ و احیاء و توسعه منابع طبیعی از قبیل سیاست تعادل دام و مرتع همکاری دارند.»

اولویت دوم: «سایر بهره‌برداران عرفی و محلی»

اولویت سوم: «تحصیل‌کرده‌های کشاورزی و منابع طبیعی»

در صورت فقدان متقاضی واجد سه اولویت فوق زمین را می‌توان به «سایر اشخاص حقیقی و حقوقی» واگذار کرد.

جایگاه دامداران بومی و عشایر در طرح طوبی تا بدان حد است که در فصل اول (کلیات) آئین‌نامه و دستورالعمل اجرایی فوق، یکی از اهداف اصلی این طرح «رشد اقتصادی و رفاه نسبی قشر محروم روستایی و عشایری خصوصاً بهره‌برداران عرفی» ذکر شده. بدینسان، قانونی عرضه گردیده که، در عمل، به جای تأمین اهداف فوق، در پایه تاراج اراضی دولتی توسط دیوان سالاران و زراندوزان متنفذ قرار گرفته است.

در بررسی پیشین دیدیم که در واگذاری اراضی دولتی به مؤسسه فلاحیت و سایر شرکت‌ها و افراد ذینفوذ در فارسی مطلقاً این ماده مراعات نشده، و این امر تعارض و تنش‌های شدید میان مردم ذیحق محلی با شرکت‌های مهاجم را پدید آورده و این‌گونه باغ‌شهرها را از نظر امنیت درازمدت سرمایه‌گذاری خریداران به شدت ناامن کرده و در معرض تخریب و انهدام احتمالی از سوی مردم محلی قرار داده است.^{۱۳۵}

میزان اراضی واگذاری

قانون میزان اراضی را که در قالب طرح طوبی واگذار می‌شود برای هر فرد حقیقی «حداکثر تا سه برابر عرف محل» و برای «هر تعاونی و شرکت سهامی خاص حداکثر تا سه برابر عرف محل» تعیین کرده است. عرف محل نیز تعریف شده: «عرف محلی میزان زمینی است که در هر منطقه با توجه به نوع گونه مورد کاشت و هزینه های اجرایی بتواند مایحتاج یک خانواده را در سال تأمین نماید.»

قانون استثنا قائل نشده است. دیدیم که میزان اراضی واگذار شده به مؤسسه فلاحیت در فراغت فقط در دشت سیاخ بطور رسمی ۱۴۹۱ هکتار و در عمل دو تا سه هزار هکتار است. یا دیدیم که سرهنگ اقبالی فقط در قلات ۲۵۱ هکتار به‌طور رسمی، صرفنظر از تصرفات غیررسمی او، واگذاری دریافت کرده است؛ و موارد فراوان دیگر که با آن آشنا شدیم.

نوع زمین

اولین شرط واگذاری زمین تعلق قطعی آن به دولت است. به عبارت دیگر، باید مالکیت دولت بر زمین تثبیت شده باشد. بنابراین، قانون به جدّ واگذاری اراضی دارای معارض را ممنوع اعلام کرده است. در گذشته، موارد فراوانی از این گونه واگذاری‌ها بوده که پس از مدتی معارض با دریافت حکم قضایی اقدام به تملک زمین واگذار شده نموده و بدینسان به واگذاری گیرنده لطمات جدی مالی وارد شده است.

به علاوه، قانون واگذاری اراضی زیر را «مطلقاً ممنوع» اعلام کرده است:

۱- مراتع غیر مشجر درجه یک برای مصارف غیر کشاورزی موضوع تبصره یک ماده ۳۱.

۲- اراضی جنگلی جلگه‌ای و مرتعی و بیشه‌های طبیعی موضوع تبصره ۴ ماده ۳۱.

۳- اراضی جنگلی که طبق ضوابط قابل تبدیل برای کشاورزی نیست.

۴- عرصه طرح‌های جنگل‌داری.

۵- جنگل‌های دست کاشت.

۶- نهالستان‌های دولتی و عمومی.

۷- جنگل‌ها و بیشه‌های طبیعی.

۸- مراتع عمومی از حریم روستاها که به تشخیص هیئت هفت نفره جهت تعلیف احشام ضروری است.

۹- پارک‌های جنگلی و جنگل‌های دست کاشت عمومی.

۱۰- حریم قانونی و تاسیسات دولتی.

۱۱- راه‌های مسیر کوچ ایل‌نشین‌ها و حریم مربوط به آن‌ها.

۱۲- عرصه‌های جنگلی که دارای پوشش درختی و درختچه‌ای بیش از ۵ درصد می‌باشد (تبصره: در جنگل‌های با پوشش درختی و درختچه‌ای کمتر از ۵ درصد موافقت اداره کل الزامی است).

۱۳- محدوده ذخیره‌گاه‌های ژنتیکی موضوع ماده یک قانون حفاظت و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی.

در تمامی موارد ذکر شده در صفحات پیشین، در واگذاری اراضی به مؤسسه فلاح‌ت و سایر شرکت‌های مرتبط با زمین در فارس، برخی از این ممنوعیت‌ها مطلقاً نادیده گرفته شده:

بسیاری از اراضی واگذار شده دارای معارض بوده و عموماً قبل از اجرای ماده ۱۳ و صدور سند مالکیت به نام دولت واگذاری انجام گرفته است. در بهمن ۱۳۸۳، معاون وقت حفاظت اراضی اداره کل منابع طبیعی فارس، در حضور استاندار وقت، در پاسخ به اعتراض من به عدم اجرای ماده ۱۳ در اراضی دارنگان و در نتیجه مشاع بودن ملک فوق بین دولت و مالکین، به من گفت که تاکنون در هیچ یک از واگذاری‌های استان فارس مقررات ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرایی ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع انجام نگرفته است.^{۱۳۶} چنان‌که گفتم، با توجه به تأکید جدی من بر غیرقانونی بودن این عملکرد، طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶ با عجله در بسیاری از اراضی فارس، باز هم بدون رعایت تمامی ضوابط قانونی و با پایمال کردن حقوق مردم، مقررات ماده ۱۳ اجرا شد و سند به نام دولت صادر گردید.

علاوه بر عدم حل مسئله معارض، که شرط اولیه واگذاری است، در تمامی واگذاری‌های انجام شده یک یا چند بند از موارد فوق نقض شده. بسیاری از اراضی هم مسیر کوچ عشایر و تعلیف دام‌های ایشان بود، هم مراتع مشجر دارای پوشش گیاهی و حتی جنگلی، هم حریم روستاها که «جهت تعلیف احشام» ضرور بود، و هم ذخیره ژنتیکی. مراتع حفاظت شده سازمان محیط زیست در کوهپایه دلو (محدوده کار شرکت احرار فارس) و مراتع کوهپایه جنوبی سبزپوشان (محدوده کار مؤسسه فلاح‌ت در فراغت) نمونه‌های بین این نقض قانون است که تصاویر آن، مندرج در صفحات پیشین، کاملاً گویا و بی‌نیاز از توضیح است.

۱۳۶. بنگرید به زیرنویس صفحات ۲۲۳-۲۲۴.

شروط واگذاری

قانون به صراحت در چارچوب قرارداد لازم‌الاجرای محضری، که میان نماینده رسمی دولت و واگذاری گیرنده، اعم از حقیقی و حقوقی، بدون هر گونه استثناء، منعقد می‌شود، واگذاری گیرنده را از «فروش» و «انتقال به غیر» و «تغییر کاربری» و «تفکیک» اراضی منع می‌کند. در صورت نقض این شروط واگذاری باطل می‌شود و زمین به تملک دولت بازمی‌گردد. در تمامی موارد مندرج در این رساله با نقض صریح شروط منعقد در قراردادهای واگذاری مواجهیم. عجیب اینجاست که این نقض قوانین بسیار آشکار و بی‌پروا و در برابر دیدگان مقامات مسئول ذیربط، و گاه حتی با همکاری ایشان، صورت گرفته است. در تمامی این موارد اراضی واگذار شده تغییر کاربری داده شده، جاده‌کشی و تفکیک شده، و اسناد آن، حتی با اخذ سند تفکیکی از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، به غیر واگذار شده است. و نیز در تمامی این واگذاری‌ها ساخت و ساز انجام گرفته است.

مهرزاد خرد، مدیرکل منابع طبیعی فارس، در یکی از مصاحبه‌های خود اعلام کرد:

«حتی یک متر احداث بنا نیز در باغ‌شهرها خلاف قانون است. باغ‌شهر باید ترویج دهنده و توسعه بخش فضای سبز باشد و حتی حصارها و دیوارهای آن نیز منطبق بر مصالح طبیعی باشد.»^{۱۳۷}

در صفحات پیش، تصاویری از ساخت و ساز در باغ‌شهرهای شرکت احرار فارس (کوهپایه دلو) و فلاحات سیاخ (کوهپایه سبزپوشان)، به عنوان نمونه، درج شد. در تمامی باغ‌شهرهای فارس، که در اراضی دولتی و با اخذ تعهد محضری متضمن شروط فوق از سوی ادارات منابع طبیعی و امور اراضی واگذار شده، این ساخت و سازهای غیرقانونی، بدون استثناء، انجام گرفته. سخن آقای خرد تجاهل از نوع مشیرالدوله‌ای آن است.^{۱۳۸}

قانون فقط برای تهیدستان

با اوج‌گیری جنبش عدالت‌خواهی در فارس و سمت‌گیری آن علیه مافیای زمین‌خوار شیراز، مسئولان ذیربط به ناگاه به «مبارزان ضد زمین‌خواری» بدل شدند و مکرر از عزم خود برای خلع ید از «زمین‌خواران» و «موقوفه‌خواران» سخن گفتند. مدیرکل منابع طبیعی در

۱۳۷. عصر مردم (چاپ شیراز)، دوشنبه ۹ مهر ۱۳۸۶، ص ۳.

۱۳۸. بنگرید به همین کتاب، ص ۱۵.

مصاحبه پیشین (۹ مهر ۱۳۸۶) اعلام کرد که از ۱۹۲ نفر از «متجاوزان به عرصه منابع ملی» در روستای کودیان خلع ید شده!



این نمایش تبلیغاتی «برائت از زمین‌خواری» ادامه یافت. یک ماه بعد **غلامرضا غلامی**، بخشدار مرکزی شیراز و از کارگزاران دون‌پایه **سرهنگ عزیزی**، فرماندار کنونی شیراز که درباره جایگاه او در شرکت‌های نظامی «زمین‌خوار» سخن گفته‌ام،^{۱۳۹} به‌ناگاه به «قهرمان» مبارزه با زمین‌خواری بدل شد. او با لودر تهاجم به مناطق فقیرنشین حاشیه شیراز را آغاز کرد و سپس با افتخار اعلام کرد:

«با همکاری دستگاه‌های مسکن و شهرسازی، امور اراضی، منابع طبیعی، جهاد کشاورزی، دهیاران و شوراهای روستاهای سلطان‌آباد، کیان‌آباد، و سید صفری دو هزار هکتار از زمین‌های منابع طبیعی که به مسکن و شهرسازی واگذار شده و توسط زمین‌خواران تصرف شده بود، آزاد شد.»^{۱۴۰}

نام چند تن از این «زمین‌خواران» و تصویر «کاخ‌های» تخریب شده آنان توسط ایادی سرهنگ عزیزی و مهرزاد خرد و شرکا را درج می‌کنم. این تصاویر به خانه‌های مردم محروم منطقه سلطان‌آباد (پلاک‌های کچل‌آباد و تاج‌آباد و وزیرآباد)، از فقیرنشین‌ترین مناطق حاشیه‌ای شیراز، تعلق دارد که با لودر بر سر سکنه آن خراب شده.

یکی از این «زمین‌خواران» خانم همه‌ناز بیکانی است. خانه‌اش ۱۲۰ متر مربع بود و با شوهر بیکار و هفت فرزند خردسالش در آن زندگی می‌کرد. این خانواده زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) است. «زمین‌خوار» دیگر، فرد مستمندی است که خانه او را فرد خیری به‌نام سمانسی‌فرد برایش ساخته بود. سمانسی‌فرد بسیجی و عضو گردان عاشورا است. این خانه را نیمه شب با لودر خراب کردند. «زمین‌خوار» دیگر، مصیب فتحی نام دارد. فرد فقیر عیالواری است که دامداری سنتی کوچک و خانه محقری داشت. «زمین‌خوار» دیگر، فردی فقیر به‌نام میرزایی است. مغازه‌ای بیست متری داشت که تنها محل کسب و امرار معاش او و خانواده‌اش بود.

پس از تصاویر اماکن تخریب شده «زمین‌خواران» فوق تصاویری از ساخت و ساز در اراضی غصب شده دارنگان را درج می‌کنم که در تصرف شرکت فارس مبین وابسته به بنیاد تعاون بسیج، به مدیریت دوستان نزدیک سرهنگ عزیزی، است.

۱۳۹. بنگرید به ص ۱۴۲ و سایر صفحات.

۱۴۰. خبر جنوب، چهارشنبه ۹ آبان ۱۳۸۶، ص ۷.

مدیر منابع طبیعی فارس:

سجانی - پنجشنبه - ۱۳۰۴ مرداد - ۱۷۱۱ - ۱۳۰۴

در برخورد با متجاوزان به منابع طبیعی مصمم هستیم

برای برخورد با سوزخو بان انجام شده و موفقیت‌هایی نیز داشته است.

این مقام مسوول گفت: در سال جاری چهار هزار هکتار از عرصه‌های طبیعی که با تجاوز سوزخو بان مواجه شده بود از آنان بازپس گرفته شد و به تسلک دولت بازگشت. وی با بیان اینکه استان فارس استان پیشرو در برخورد با متجاوزان است، اضافه کرد: در این رابطه حدود ۹۰ پرونده قضایی در محاکم تشکیل شده که کار رسیدگی به آن ادامه دارد.

استخوان‌شده و اکنون تحت مراقبت و درمان قرار دارد. مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان فارس با بیان اینکه اخیراً آهنگ تخریب منابع طبیعی ضعیف‌تر شده است، افزود: برخورد قاطع با سوزخو بان و مبارزات بیشتر مردم موجب شده است که روند تجاوز به عرصه‌های طبیعی در فارس ملایم‌تر شود. خرداد اضافه کرد: از جمله شهرستان‌هایی که روند تخریب منابع و تجاوز به عرصه‌های طبیعی در آن زیاد بود، شهرستان اقلید است که در این شهرستان نیز هماهنگی‌های لازم

مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان فارس گفت: مأموران و مسوولان حفاظت از عرصه‌های طبیعی در استان فارس برای برخورد با متجاوزان به عرصه‌های طبیعی مصمم هستند و با بستن کار این وظیفه را انجام می‌دهند.

مهندس مهرزاد خرد افزود: در این زمینه البته هزینه‌های زیادی متقبل شده‌ایم، از جمله اینکه اخیراً یکی از مأموران گارد منابع طبیعی در شهرستان اقلید توسط متجاوزان با تراکتور زیر گرفته شد. وی اظهار داشت: این مأمور منابع طبیعی از قسمت پا و لگن دچار شکستگی



بخشدار مرکزی شیراز:

۲ هزار هکتار اراضی منابع طبیعی فارس از تصرف زمین خواران آزاد شد

بخشدار مرکزی شیراز گفت: با همکاری دستگاه‌های مسکن و شهرسازی، امور اراضی، منابع طبیعی، جهاد کشاورزی، دهیاران و شوراهای روستاهای

سلطان آباد، کیان آباد و سیدصفری ۲۰۰۰ هکتار از زمین‌های منابع طبیعی که به مسکن و شهرسازی واگذار شده و توسط زمین خواران تصرف شده بود آزاد شد.

غلامرضا غلامی در جمع خبرنگاران افزود: در سال ۷۴ طی صورت جلسه‌ای منابع طبیعی بیش از ۲ هزار هکتار از زمین‌های خود را به مسکن و شهرسازی واگذار کرد که به دلیل کم کاری و سوءاستفاده بعضی افراد از پست و منصب خود قسمت وسیعی از این اراضی مورد تاخت و تاز زمین خواران قرار



گرفت. وی با بیان اینکه هدف دولت واگذاری زمین به مردم است، تصریح کرد: بحث متصرف و متقاضی دو مقوله متفاوت است و ماحتمالاً رسیدگی به مسایل کسانی که متقاضی زمین و مسکن هستند بنابه شرایط به آنها زمین واگذار می‌کنیم. وی تأکید کرد: ما این زمین‌ها را گرفته و به تعاونی‌های مسکن مثل تعاونی مسکن مهر واگذار می‌کنیم تا مردم مادرای مسکن شوند.

وی با تأکید بر اینکه مردم نباید به هر اطلاعاتی درج شده در مشاورین املاک تکیه کرده و اقدام به خرید زمین کنند، تصریح کرد: هرگونه تفکیک و فروش اراضی خارج از طرح هادی متنوع و تغییر کاربری و تفکیک در طرح هادی بدون مجوز بخشداری غیرقانونی است. وی متذکر شد: مردم باید در خرید زمین دقت فراوان داشته باشند چون هنوز بسیاری از زمین‌ها کاربری کشاورزی دارند که به صورت غیرقانونی توسط زمین خواران به آنها فروخته می‌شود. وی خاطرنشان کرد: طی یک برنامه زمان بندی شده و با همکاری دستگاه‌های نام برده این اراضی را آزاد کرده و پرونده زمین خواران را به محاکم قضایی ارایه دادیم. وی گفت: البته آنهایی هم که حق و حقوقی دارند مراجع قضایی بررسی کرده و حق و حقوق آنها را به عنوان مستثنیات به آنها برمی گردانند. غلامی یادآور شد: ۶۳۰ هکتار از این ۲۰۰۰ هکتار اراضی آزاد شده جهت اجرای کمربند سبز به شهرداری واگذار شد.

وی اظهار داشت: البته حضور همه دستگاه‌ها برای مبارزه با پدیده زمین خواران ضروری است که در این مورد اگر همکاری دستگاه‌ها نبود ما موفق به آزادی اراضی نمی شدیم. وی گفت: حمایت دستگاه قضایی از دستگاه‌های اجرایی هم در این آزادسازی نقش به سزایی داشت و نزدیک به ۳۰ نفر از زمین خوارانی که در این مجموعه ۲۰۰۰ هکتاری دست داشتند به محاکم قضایی معرفی شده‌اند. بخشدار مرکزی با بیان اینکه در نزدیک به ۲۰ هکتار این اراضی توسط مردم ساخت و ساز انجام شده است، گفت: در مورد این ساخت و سازها هیچ اقدامی صورت نگرفته اما فروشنده‌گان به مراجع قضایی معرفی می‌شوند و خریداران هم باید کلیه مطالبات خود را از آنها دریافت کنند تا آنگاه از سوی مراجع قضایی حکم تخریب این مناطق مسکونی غیر مجاز صادر شود. وی تأکید کرد: از این ۳۰ نفر زمین خوار تعدادی از آنها در بازداشت به سر می‌برند.

خبر فرب - چهارشنبه ۹ آبان ۸۴ ص ۷



تصویر خانه‌های «زمین‌خواران» در محله فقیرنشین حومه شیراز
تخریب شده با لودر توسط کارگزاران سرهنگ عزیزی فرماندار شیراز











تصویر ویلاهای شرکت فارس مبین در دارنگان به مدیریت دوستان سرهنگ عزیز که «زمین خوار» نیستند









نتیجه‌گیری

برخی کارشناسان صاحب‌نظر و باتجربه منابع طبیعی، که فعلاً حاضر به انتشار نام‌شان نیستند، در مصاحبه با من پیامدهای عملکرد مؤسسه «فلاح‌ت در فراغت» و شرکت‌های مشابه را در فارس چنین بیان کردند:

از نظر سیاسی-اجتماعی:

- ایجاد انگیزه تخریب در مراتع و اراضی بکر همجوار،
- از بین بردن سوابق عرفی عشایر و دامداران محلی صاحب نسق و حریم روستاها،
- ایجاد معضلات روانی در مردم: احساس تبعیض میان مردم و «خواص»،
- ایجاد انگیزه در عشایر که، برای تثبیت حقوق خود در مراتع خویش و جلوگیری از تصاحب آن توسط متنفذان، از طریق تخریب پوشش گیاهی اقدام به کشت دیم کنند و از این طریق مالکیت خود را تثبیت نمایند،
- ایجاد و گسترش فساد مالی در دیوان‌سالاری و دستگاه دولتی،
- ایجاد نارضایتی عمیق در آن بخش از مردم که فساد فوق را شاهدند،
- ایجاد طبقه دلال نوکیسه و فاسد در شهرها و روستاها که از بورس‌بازی زمین و دلالتی برای شرکت‌های بزرگ «زمین‌خوار» تغذیه می‌کنند.

از نظر اقتصادی:

- نابود کردن ذخایر ارضی کشور در حدی که در آینده برای طرح‌های توسعه شیراز، مثلاً احداث یک شهر جدید یا حتی یک فرودگاه بزرگ، زمین قابل‌ملاحظه‌ای بر جای نخواهد ماند،
- تبدیل عرصه تولید علوفه به عرصه‌ای غیرکارشناسی که معلوم نیست چیست،
- نابود کردن ذخایر ژنتیکی گیاهی در مراتع به دلیل تغییر کاربری،
- بورس‌بازی و گران کردن وحشتناک قیمت زمین.

آن بنیان‌های نظری و تاریخی را، که از زمان رفراندوم محمدرضا پهلوی در ۶ بهمن ۱۳۴۱، منجر به سلب مالکیت از توده وسیع مالکان خصوصی عشایر، روستایی و شهری و مالکیت گسترده دولت بر بخش عمده اراضی ایران شد شرح دادم. گفتیم که این تحول دیوان‌سالاران را از نظر کسب ثروت از طریق به‌کارگیری اهرم‌های قانونی و دولتی در جایگاهی چنان اقتدارآمیز جای داد که در تاریخ ایران سابقه نداشت. آنان به دلیل ابهام و نارسائی و خلل در قوانین، یا با وضع مقرراتی که دست ایشان را در واگذاری اراضی دولتی

بازتر می‌گذارد، این ثروت عظیم را، که ارزش مالی اراضی بخش خصوصی در مقایسه با آن بسیار حقیر جلوه می‌کند، به یکی از مهم‌ترین منابع برای انباشت و تکاثر ثروت در دست عده‌ای محدود بدل کردند و بدینسان ظهور «طبقه جدید»ی از کلان ثروتمندان را سبب شدند که چون الیگارش‌ی نوظهور دوران مشروطه و پهلوی منبع ارتزاق آن منابع دولتی است.

هر چند «اراضی دولتی» تنها منبع انباشت ثروت در دست این الیگارش‌ی همبسته با دیوان‌سالاری، یا به تعبیر دیگر «بورژوازی بوروکراتیک»، نیست، و منابعی چون پیمانکاری‌های دولتی و دریافت پورسانت در معاملات خارجی، از جمله معاملات و پیمانکاری‌های نفت و گاز (به‌ویژه در عسلویه)، امتیازات انحصاری در استخراج معادن (مانند معادن سنگ‌نی‌ریز و ده بید) و حتی امتیاز انحصاری قطع جنگل‌های شمال در ابعاد کلان، انبوه‌سازی مسکن در کلان شهرها، واردات کالاهای مصرفی و نمایندگی و پیمانکاری کمپانی‌های بزرگ جهان‌وطن و غیره،^{۱۴۱} دارای جایگاه بزرگی در این انباشت ثروت است، مع‌هذا تملک اراضی دولتی را شاید بتوان مهم‌ترین منبع تکاثر ثروت این طبقه دانست.

وجود بیش از پنجاه تریلیون تومان (شصت میلیارد دلار) نقدینگی سرگردان در دست طبقات متوسط و فقیر مردم و رویکرد ایشان به افزایش نقدینگی‌های کوچک خود، برای جبران تنزل مالی ناشی از تورم و کاهش ارزش پول، عامل مهمی است که بورس‌بازی زمین و افزایش روزافزون قیمت آن را سبب می‌شود و الیگارش‌ی نوحاسته را به تصاحب اراضی مرغوب دولتی، به‌ویژه در مجاورت شهرها، و تفکیک و فروش آن به مردم ترغیب می‌کند.

این فرایند زراندوزانه در جهت تملک و تفکیک و فروش اراضی دولتی و تبدیل آن به ثروت‌های خصوصی، زمانی به پدیده‌ای بغرنج بدل می‌شود که با طرح‌های آرمان‌گرایانه، ولی غیرتخصصی، برای توسعه مناطق شهری و روستایی پیوند خورد. یکی از معضلات اصلی توسعه در ایران امروز فقدان «استراتژی توسعه» بومی مبتنی بر بنیان‌های نظری اصیل و تحقیقات ژرف تاریخی، مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی است. این عامل، از ابتدای انقلاب تا به امروز، کشاکش‌های نظری را در میان نخبگان سیاسی انقلاب بر سر نوع و شاخص‌های «مدل توسعه ایران اسلامی» برانگیخته و «آزمون و خطا» را به روش مرسوم در سیاست‌گذاری‌های ملی و محلی بدل کرده است؛ روشی که دارای هزینه‌های بسیار سنگین اقتصادی و فرهنگی و

۱۴۱. بنگرید به یادداشت‌های «در عسلویه غوغایی است» (۵ بهمن ۱۳۸۳) [۱]، «ماfiای مواد مخدر و ایران» (۱۹ خرداد ۱۳۸۴) [۲]، «ماfiای سنگ ایران» (۱۱ مرداد ۱۳۸۴) [۳] و «ماfiای نفت و گاز ایران چگونه شکل گرفت؟» (۳۱ مرداد ۱۳۸۴) [۴] در وبگاه عبدالله شهبازی.

سیاسی برای جامعه ما بوده است. امروزه شاهد بسیاری از پیامدهای منفی این‌گونه سیاست‌گذاری‌های تقلیدی یا آرمان‌گرایانه، غیرکارشناسی و ساده‌لوحانه هستیم. به همین دلیل، دکتر احمدی‌نژاد، ریاست‌جمهوری، در تیر ۱۳۸۶ به انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (سازمان برنامه و بودجه سابق) دست زد زیرا، به درستی، این سازمان را، به دلیل ساختار و بنیان‌های نظری حاکم بر بدنه کارشناسی آن، نه تنها ناکارآمد بلکه عاملی مخرب در فرایند توسعه ایران می‌دید.^{۱۴۲}

۱۴۲. بنگرید به: عبدالله شهبازی، «ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی دولتی در ایران: ریشه‌های تاریخی و بنیان‌های نظری آن» (سخنرانی در نهاد ریاست‌جمهوری، ۲۶ تیر ۱۳۸۶)

http://www.shahbazi.org/pages/Plan_Organization_Iran.htm